

## جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی

\* مؤلف: حسین قره چانلو

\* ناشر: سمت

\* سال نشر: ۱۳۸۰

\* نوبت چاپ: اول

\* محل نشر: تهران

دانش جغرافیا یکی از دانش‌هایی است که همواره دانشمندان مسلمان بدان توجه داشته و در این میدان آثاری ارجمند و گران قدر از خود به یادگار گذاشته‌اند. جغرافیای تاریخی از دانش‌های جدید است که به بررسی تحولات مختلف مناطق جغرافیایی در دوره‌های گذشته می‌پردازد. در این حوزه آثاری اندک وجود دارد. شاید مهم‌ترین و مشهورترین کتاب از این نوع، کتاب *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* نوشته/گی. لسترنج باشد که سال‌ها قبل تألیف و به زبان فارسی هم ترجمه شده است. در میان استادان فارسی زبان که تاکنون عهده‌دار تدریس جغرافیای تاریخی در دانشگاه‌های کشور بوده‌اند، دکتر حسین قره‌چانلو موقعیتی ممتاز دارد. از این نویسنده ارجمند که برخی متون جغرافیای قدیم را به زبان فارسی ترجمه کرده، توقع آن است که آثاری ارزشمند در حوزه جغرافیای تاریخی تألیف و از خود به یادگار گذارد. خوشبختانه، استاد این مهم را آغاز و تاکنون دو جلد از کتاب احتمالاً پنج جلدی خود را با نام *«جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی»* چاپ و منتشر کرده است. نقاط قوت و ضعف این اثر را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

### الف. نقاط قوت:

۱. طرح جلد، صفحه‌آرایی، حروف‌نگاری و صحافی مطلوب؛
۲. جامعیت صوری از فهرست تا نمایه؛
۳. ویرایش و نگارش نسبتاً خوب؛
۴. دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی در سطح عالی؛
۵. نظم منطقی و انسجام مطالب در فصول و کل اثر؛
۶. روزآمدی اطلاعات و رعایت بی‌طرفی علمی در تحلیل.

**ب - نقاط ضعف:**

۱. حجم زیاد و بیرون از حوصله دانشجو (آن هم برای دو واحد درسی؛
۲. عبارات سست و ضعیف که بهرغم روانی متن، باعث به هم ریختگی مطالب و ناپیوستگی عبارات می‌شود.

**نکاتی چند پیرامون کتاب جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی**

۱. این کتاب نخستین جلد از یک مجموعه احتمالاً پنج جلدی است که در دو بخش عمده تدوین شده است: الف) *تاریخچه جغرافیا* در جهان اسلام که عمدتاً به معرفی دانشمندان و جغرافیانویسان مسلمان، مکاتب جغرافیایی و متون مهم این رشته می‌پردازد؛ ب) *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی* که با نام جغرافیای تاریخی شهر فقط به سه منطقه جزیره‌العرب، بین‌النهرین، آسیای صغیر و شهرهای مرزی جزیره و شام پرداخته است.
۲. هرچند این اثر در فارسی بی‌نظیر است و نخستین گامی است که یکی از استادان صاحب نام فارسی زبان در این راه بر می‌دارد، نمی‌توان گفت چنان که باید و شاید از عهده رسالت خود برآمده است، جا دارد چند مطلب را در این باره بیان کنیم، امید است که در سایر مجلدات رعایت شود:
  - الف) منابع در پاورقی بر اساس عنوان کتاب آمده، در حالی که در پایان کتاب بر پایه نام مؤلف مرتب شده است.
  - ب) بسیاری از مطالب در موارد مختلف از منابع جدید و دست‌چندم نقل شده، در حالی که به‌متون کهن و اصیل نیز می‌توان استناد کرد، برای مثال:
    - ۱) در ص ۱۱۰-۱۰۹، دیدگاه ابوریحان بیرونی را به جای نقل از آثار خودی از منابع دست‌دوم نقل کرده است.
    - ۲) در ص ۲۴۹، اقدام منصور در تخریب طاق کسری را از کتاب لسترنج آورده است، چرا از متون کهن نقل نمی‌کند؟!
      - ۳) در ص ۱۱۱، آثار سلیمان مهری را از منابعی دیگر نقل می‌کند، درحالی‌که وقتی از محتوای چنین آثاری صحبت می‌شود، بهتر و دقیق‌تر آن است که در چنین تألیفی بی‌واسطه از نوشته‌های خود فرد مورد نظر نقل شود.
      - ۴) در ص ۱۱۴، جمالاتی از محمد همدانی صاحب «عجایب‌نامه» استفاده و نقل می‌کند که به جای کتاب خود وی از منابع دیگر آمده است، چرا؟

۵) در ص ۱۴۳، در نقشه جزیره‌العرب، یک نقشه عربی آمده و مؤلف محترم و دست اندرکاران نشر بدون توجه، واژه جعلی "الخليج العربي" را آورده‌اند.

۶) در ص ۲۴۸، س ۲، به جای ارون رود از واژه شط العرب استفاده شده است.  
۳) مطالب تاریخی و حوادث مهم اتفاق افتاده در هر منطقه چنان که بایسته است، یا اصولاً مطرح نشده یا گذرا و اشاره‌وار آمده است. مقایسه این کتاب با جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی نوشته: گی. لسترنج، این ضعف عمده را به‌خوبی نمایان می‌سازد. ای کاش مؤلف ارجمند کتاب را با صبر و حوصله‌ای بیشتر به چاپ می‌سپرد و لااقل چند تن از شاگردان و همکاران ایشان با مطالعه آن، ضعف‌های موجود را پیش از چاپ گوشزد می‌کردند.

۴) مطالب کتاب به‌شدت به‌هم ریخته است، به‌خصوص در بخش دوم، که هیچ نظم منطقی در کار نیست (ص ۱۸۰-۱۶۳). گاه از موقعیت جغرافیایی سخن می‌گوید، سپس به حوادث و ... می‌پردازد، دوباره بدون مناسبت به مطلب نخست برمی‌گردد و بار دیگر از مناطق و نواحی اطراف سخن می‌راند و البته تکراری.

گویا نویسنده محترم مطالب مربوط به هر منطقه را از کتاب‌های جغرافیایی استخراج و به هم وصل نموده است، بدون اینکه مطالب مشترک را اخذ و از تکرار آن بپرهیزد. از همین روی استخوان‌بندی مطالب چنان ضعیف است که با اندکی تأمل نمایان می‌شود. توجه به منابع پاورقی نشان می‌دهد که در هر بخش عمدتاً برچه کتاب‌هایی تأکید داشته است. بخش نخست معمولاً از نوشته‌های جدید و دست‌چند بهره گرفته است، در حالی که منابع کهن نیز موجود است و به‌راحتی می‌توان از آنها بهره برد.  
در هر حال امید داریم نویسنده ارجمند در چاپ مجلدات بعدی با تأمل و حوصله بیشتری اقدام فرمایند.

به منظور بهره‌وری و سودمندی هرچه بیشتر این اثر، شایسته است در چاپ دوم نسبت به اصلاح و تکمیل مطالب و ویرایش فنی و ادبی هرچه دقیق‌تر آن اقدام شود.